



## بیانات در دیدار مسئولان و شخصیت‌های علمی سیاسی - 17 / فروردین / 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله حلول سال جدید بر همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز مبارک باشد. بالاخره این گذران فصول و سالها باید به ما در طول عمرمان، تجربه‌ها و عبرتهائی را بیاموزد. فرمود: «یا محوّل الحول»؛ سال را تحویل میکند. تحویل سال فقط در تحویل فصل زمستان به فصل بهار نیست؛ همه‌ی فصول در واقع تحویل میشوند. يك وقت فصل بهار است، يك وقت فصل تابستان است، بعد پائیز و برگ‌ریزان شروع میشود. زمستان و سرما که ظاهرش سخت و خشن است، اما باطنش در واقع مایه‌ی حیات بهار است. تحویل حول، یعنی این؛ فصول تبدیل به یکدیگر میشوند.

احوال گوناگون طبیعت، پی‌درپی می‌آیند و تغییر پیدا میکنند؛ اینها همه‌اش آیات الهی است. ما عادت کردیم، اهمیت آنها را نمی‌فهمیم؛ والا اگر انسان به این تغییر و تحولی که در طبیعت وجود دارد، عادت نکرده باشد و بار اولی باشد که اینها را می‌بیند، خواهد دید که خیلی حوادث شگفت‌آوری است. همین روئیدن گیاهان، نو شدن طبیعت، بارور شدن درختان، اینها همه علائم قدرت الهی است که همین طور ما با چشم عادت کرده‌ی خودمان از اینها آسان می‌گذریم. در نفس خود ما هم همین جور است، وجود خود ما هم همین جور است.

تغییرات را غالباً انسان حس نمی‌کند. تغییراتی به وجود می‌آید، نمی‌فهمیم. خیلی از این بی‌توجهی‌ها در نهایت به ضررهای بزرگ منتهی میشود. فرض بفرمائید که يك رونده‌ای در راهی دارد حرکت میکند، غفلت میکند، يك زاویه‌ی پنج درجه‌ای، ده درجه‌ای به وجود می‌آید. انسان هیچ متوجه نیست. پنج درجه زاویه، چیزی نیست که انسان را به خودش متوجه کند. بعد هر چه که در این جهت حرکت میکند، هی فاصله‌ی او با همین پنج درجه - اگر این پنج درجه به ده درجه و پنجاه درجه هم نرسد، همین طور پنج درجه باشد - و شکاف بین او با این خط صحیحی که باید از آن حرکت میکرد، بیشتر میشود. يك وقت انسان به خود می‌آید، می‌بیند ای بابا، چه فاصله‌ی عمیقی به وجود آمده. اینکه می‌گویند تقوا، برای همین است. تقوا یعنی لحظه به لحظه خود را پائیدن، خود را مواظبت کردن؛ انسان حواسش جمع باشد که چه کار دارد میکند. این نمازی که روزی پنج بار برای ما معین شده است، واقعاً از بزرگترین نعمتهای خداست. اگر این نماز نبود، ماها خیلی در غفلت غرق میشدیم. این نماز، ما را به خود می‌آورد. آن وقت اقتضاء میکند که پس نماز را درست و با توجه بخوانیم. اگر نماز با توجه خوانده شود، این کمک میکند به اینکه انسان متوجه خودش باشد.

پس ببینید در حرکت سال 88 به 89 که يك ساعتی برایش معین میکنیم - که این ساعت مثل بقیه‌ی ساعات عمر است؛ از لحاظ طبیعی، از لحاظ اندازه‌گیری‌های گوناگون، این ساعت آخر سال 88 با ساعت اول سال 89 هیچ تفاوتی ندارد؛ يك حدی معین کردند - اگر غفلت بکنیم، توجه نمی‌کنیم به گذر طبیعت و تحول طبیعت؛ اگر به این تغییر و جابه‌جائی توجه کنیم، طبعاً می‌فهمیم و احساس میکنیم. این احساس را انسان باید در همه‌ی تحولات زندگی با خودش همراه داشته باشد. در واقع میتوان این را به محتواها و ظرفیتهای نوروز اضافه کرد.

عید نوروز که يك عید علی‌الظاهر غیر دینی است، عید ملی است، جنبه‌ی دینی و یادآوری دینی ندارد؛ اگرچه حالا در بعضی از روایات دارد که «الثیروز من ایامنا»: از روزهای ماست - حالا نمیدانیم چقدر این روایات اعتبار و استحکام سندی دارد - اما محتوای دینی در همه‌ی حوادث زندگی انسان وجود دارد؛ از جمله در این عید. خوشبختانه مردم



ما توجه دارند، دعا میخوانند، ذکر میگویند، در مشاهد مشرفه شرکت میکنند؛ حتی کسانی که به شهرها و مراکزی میروند که علی‌الظاهر مشاهد مشرفه‌ی معروف هم ندارد، آنجا اگر امامزاده‌ای پیدا شود، ساعت تحویل را حتماً توی امامزاده میگذرانند؛ اگر مثلاً فرض کنید عید را به شیراز میروند، ساعت تحویل را در شاهچراغ میروند؛ این یک عادت بسیار پسندیده‌ای است در بین مردم ما. هرچه بتوان محتوای دینی را در همه‌ی حوادث زندگی و پدیده‌های زندگی افزایش داد، این به نفع ماست.

دین، ایمان دینی، توجه دینی، ضامن سعادت انسان است. بشر بدون دین وضع بدی پیدا میکند. همه‌ی ادوار هم همین جور بوده، الان هم همین جور است. الان هم این کسانی که دنیا را منهای دین و با تخلیه‌ی دین خواستند اداره کنند، دچار مشکلات صعب عجیبی هستند. این مشکلات مثل مشکلات جسمانی و روزمره‌ی انسان نیست که فوراً خودش را نشان بدهد؛ نه، یک وقتی نشان میدهد که دیگر قابل علاج نیست. وقتی که بنای بی‌مهار قرار دادن شهوات جنسی گذاشته شد، وقتی سیاستها این شد، فرهنگ این شد، کار به اینجا میرسد که امروز شما نگاه میکنید یک مقام رسمی، یک وزیر، مراسم ازدواج جنسی میگیرد! و از دنیا خجالت نمیکشند! این بعد منتهی خواهد شد به اینکه با محارم خودشان هم بتوانند ارضاء شهوت جنسی کنند! امروز این عیب است، امروز این را قبول ندارند؛ اما بلاشک به اینجا خواهد رسید؛ یعنی این روند، دنباله‌اش همین است. امروز این فضاقت در دنیای غرب هست. نتیجه‌ی دنیای بی‌دینی این است. نتیجه‌ی دنیای بی‌دینی، تلاشی خانواده است؛ بیگانه شدن انسانها از همدیگر است، و مشکلات فراوانی که در زندگی بشر وجود دارد.

بشر باید به دین برگردد، و برمیگردد و شروع کرده به برگشتن؛ چه بخواهند، چه نخواهند، این خواهد شد. و در این حرکت عظیم، اسلام آن نقطه‌ی درخشان است؛ آن نگین اصلی در گردونه و منظومه‌ی توجهات معنوی به ادیان است. اسلام میدرخشد. میخوانند جلوی اسلام را بگیرند، نمیتوانند.

دشمنی با جمهوری اسلامی هم یک قسمت عمده‌اش مربوط به این است؛ چون میدانند این حرکت دینی است، این ایمان دینی است که مردم را به راه انداخته، در صحنه‌ها نگه داشته؛ آنها را در مشکلات، در دست‌اندازهای خطرناک، در پیچهای خطرناک هدایت کرده؛ این را می‌بینند و میفهمند. البته خیلی از این سیاستمدارها، سیاستگذارهای واقعی نیستند؛ مجریان سیاستهایند، ظواهر را می‌بینند؛ اما آن کسانی که طراحان سیاستهای بین‌المللی هستند، که واقعاً با هدایت آنها دارد این دنیای مادی حرکت میکند، آنها ناگزیر میفهمند قضیه این است؛ چاره‌ای هم ندارند.

البته سعی میکنند دنیای اسلام را مشغول کنند. امروز همین قضایای فلسطین در سایه‌ی مشغول شدن دنیای اسلام به مسائل فرعی دارد اتفاق می‌افتد. واقعاً امروز در فلسطین فاجعه‌آفرینی است، در غزه فاجعه‌آفرینی است، در کرانه‌ی باختری هم فاجعه‌آفرینی است. قضایای حرم ابراهیمی را نباید دست‌کم گرفت؛ اینها خیلی مهم است. به خاطر اقامه‌ی نماز، مسلمانها را از پایگاهشان و خانه‌شان بیرون کنند و راه ندهند! اسلام‌زدائی از آثار اسلامی، یکی از آن کارهای بسیار خطرناکی است که دارد جلوی چشم مسلمانهای عالم اتفاق می‌افتد. از بس همه مشغولند، سرگرم چیزهای فرعی و جزئی هستند، نمیفهمند در دنیای اسلام چه دارد میگذرد. توطئه علیه دنیای اسلام این است.

امروز سازمان کنفرانس اسلامی که وظیفه و اساس فلسفه‌ی وجودی‌اش اصلاً دفاع از فلسطین و مسئله‌ی فلسطین بوده، واقعاً وظیفه دارد که ایستادگی کند؛ دنیای اسلام را در مقابل این حرکت مودیانه‌ی صهیونیستها و حامیانشان



- که اغلب دولتهای مستکبر غربی، علی‌رغم اختلافاتی که دارند، در این پشتیبانی سهیم و شریکند - بسیج کند.

دنیای اسلام بایستد، و میتواند. ظرفیتهای دنیای اسلام برای ایستادگی در مقابل خباثتها و طمع‌ورزی‌های صهیونیستها خیلی بالاست. همه‌ی توجه فوراً متوجه نفت میشود؛ مسئله‌ی نفت نیست. اینجا مرکز دنیاست، بزرگترین بازارهای مصنوعات غربی توی این منطقه است، آبرویشان به اینجا وابسته است، مهمترین گذرگاه‌های جهانی در اختیار این مجموعه‌ی کشورهای مسلمان است؛ این چیزها رگهای حیات دنیاست، دست مسلمانهاست؛ مسلمانها از اینها استفاده کنند، میتوانند.

از همه‌ی اینها هم که بگذریم، منطق سیاسی و حرف سیاسی در دنیای امروز کارگر است. میتوانند بخواهند، بدون اینکه حتی از این ابزارها بخواهند استفاده کنند. نفس خواستن دولتها و ملتها، وزنه‌ی عظیمی در حوادث جهانی است. متأسفانه از این استفاده نمیشود، غفلت میشود.

به هر حال ما خودمان درس بگیریم. ما مسائلمان را تقسیم کنیم به مسائل اصلی و غیر اصلی؛ به اصلی‌ها بپردازیم. مسائل اصلی در کشور ما زیاد است؛ بخشی‌اش مربوط به مسئولین است، بخشی‌اش مربوط به فرهنگ‌سازان است، بخشی‌اش مربوط به مؤسسات عظیم و وسیعی است که خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ هرکدام وظیفه‌ای دارند، کاری دارند. به هدایت این مردم و به هدایت نظام و پیشبرد نظام بیندیشیم و بپردازیم.

ان شاء الله خداوند ماها را از خواب غفلت بیدار کند، بتوانیم وظائفمان را درست تشخیص بدهیم، بشناسیم و بر طبق آنها ان شاء الله عمل کنیم. ان شاء الله بر همه‌ی شماها سال مبارك باشد و مشمول دعای حضرت بقیة الله ( ارواحنا فداه ) باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

1) اشاره به ازدواج همجنس‌گرایانه‌ی وزیر مشاور در امور خارجی دولت انگلیس با منشی يك شرکت، در پارلمان این کشور.